

پوشیده صبحی و شفقی

هامشی بر تصحیح ادیب پیشاوری از تاریخ بیهقی

هادی قائمی

آن گاه که ابوالفضل بیهقی بر برگ های زربفت دیبای دیداریش می نگاشت :

«و این بیت بمانده است

و چهارصد و اند سال است

تا این می نویسند و

می خوانند و

اینک من به تازگی نبشتم

که باشد کسی این را بخواند و

به کار آید

که نام نیکو یادگار ماند. . . »

شاید چنین نمی پنداشت که هشتصد و پنجاه و هفت سال پس از آن ، دیبا نگاری دیگر از محدوده همان جغرافیای نام

برده در تاریخ بولفضل ، نخستین پیرایش تصحیحی تاریخ اش را به تازگی باز نماید تا به یاری ابزار نوین چاپ ، این بار

برای همگان بر پیشانی دفترش چنین آغاز کند :

«گوینده این داستان ابوالفضل بیهقی دبیر از دیدار خویش چنین گوید که چون سلطان ماضی محمودبن

سبکتکین غازی غزنوی رضی الله عنه در غزنی فرمان یافت . . . »

و او کسی نبود جز سید احمد رضوی که :



خرد چیره بر آرزو داشتم
جهان را به کم مایه بگذاشتم

چو هر داشته کرد باید یله
من ایدون گمانم همه داشتم. .
ادیب پیشاوری

سید احمد رضوی معروف به ادیب پیشاوری اندیشمند، ادیب، شاعر و عارف، در سال ۱۲۶۰ قمری (۱۲۲۰ خورشیدی) در پیشاور هند (پاکستان) دیده به جهان گشود. پدر ادیب (شهاب الدین) معروف به سیدشاه بابا و نیاکان او همگی از بزرگان صوفیه بودند که نسب خود را به شهاب الدین سهروردی می رساندند. در جنگی که در همان کودکی او میان اهالی منطقه و نیروهای انگلیسی در گرفت، پدرش همراه با شماری از خویشاوندانش به دست نیروهای انگلیسی کشته شدند.

او تا سن بیست و پنج سالگی به کسب دانش در شهرهای پیشاور کابل، هرات، مشهد و سبزوار پرداخت. از جمله در دو سال پایانی زندگی ملا هادی سبزواری از شاگردان خاص وی به شمار می آمد. ادیب در سال ۱۳۰۰ قمری به تهران مهاجرت کرد و با روحیه قناعت پیشه ای که داشت و تاهلی که هرگز اختیار نکرد، در این شهر فرصت و امکانات بیشتری برای پژوهش و تدریس یافت. او در این مدت رویدادهای مهمی همچون انقلاب مشروطه (که گرایشی بدان نداشت)، جنگ جهانی اول، کودتای سوم اسفند و... را شاهد بود.

در زمره شاگردان او در این دوره نام هایی چون عباس اقبال اشتهانی ، بدیع الزمان فروزانفر ، محمد قزوینی ، مجتبی مینوی و . . به چشم می آید.

از مهم ترین آثار در کارنامه پژوهشی ادیب پیشاوری باید از تصحیح تاریخ بیهقی ، یاد کرد که در سال ۱۳۰۷ قمری (۱۲۶۷ خورشیدی) با موخره ای به قلم ذکاء الملک فروغی در تهران منتشر شد.

"تصحیح تاریخ بیهقی" را باید مهم ترین کار ادیب و خدمتی سزاوار توجه به زبان و ادب فارسی به حساب آورد . این چاپ از تاریخ بیهقی که در ایران به چاپ سنگی یا چاپ ادیب مشهور است ، فاقد مقدمه مصحح است بنابراین هیچگونه اشاره ای هم به کیفیت تصحیح و نسخه های احتمالی آن هم نشده است . اما بدون شک با استفاده از چاپ کلکته (نسخه مشهور به "مورلی" خاورشناس انگلیسی که بیست و سه سال پیش از آن چاپ شده بود) و احتمالاً یکی دو نسخه خطی ف از آن جمله نسخه ای مورخ ۱۲۸۸ که هم اکنون با شماره ۷۶۷۲ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران نگه داری می شود و در سال ۱۳۴۵ توسط دکتر جعفر شعار به این کتابخانه اهدا شده ، فراهم آمده است . ادیب در این تصحیح هر جا که ضبط چاپ کلکته را نپسندیده یا ابهام و اجمالی در آن راه یافته با ذوق خود آن را تغییر داده است . . / " . تاریخ بیهقی - تصحیح دکتر محمد جعفر یاحقی ، مهدی سیدی - جلد اول - دیباچه مصححان - صفحه ۹۳ / از جمله دیگر آثار ادیب پیشاوری می توان از دیوان اشعار او (شامل ۴۲۰۰ بیت فارسی) ، رساله نقد حاضر در تصحیح دیوان "ناصر خسرو" ، ترجمه "اشارات" ابن سینا و مجموعه "قیصر نامه" که به سبک شاهنامه فردوسی در توصیف جنگ جهانی اول و البته بانگاه جانبدارانه به کشور آلمان و قیصر آن سروده شده ، نام برد.

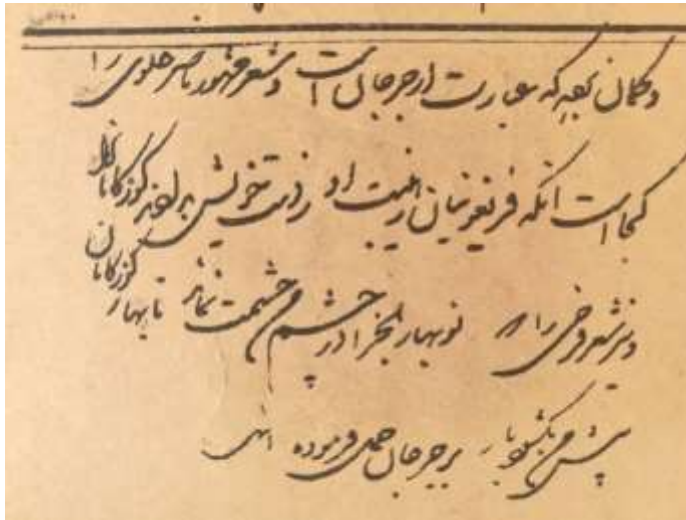
ادیب پیشاوری در نهم تیر ماه ۱۳۰۹ خورشیدی (۱۳۴۹ قمری) در تهران دیده از جهان فرو بست.



و بدین گونه نخستین تصحیح تاریخ بیهقی به یاری دانش ، شایستگی و پشتکار ادیب پیشاوری چاپ و عرضه شد تا راه آن که "این تاریخ بدان چیزی نادر شدی" گشوده شود.

از جمله ویژگی های دیگر تصحیح ادیب پیشاوری ، حاشیه هایی است که او با خط زیبای شکسته نستعلیق خویش آن را آراسته است.

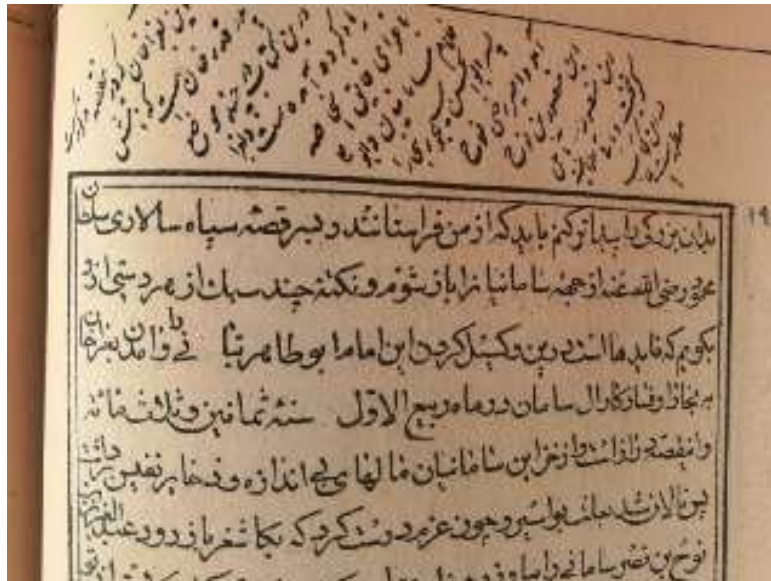
نمونه ای که توانمندی حافظه ذوق آمیز ادبی اش را نیز باز می نماید :



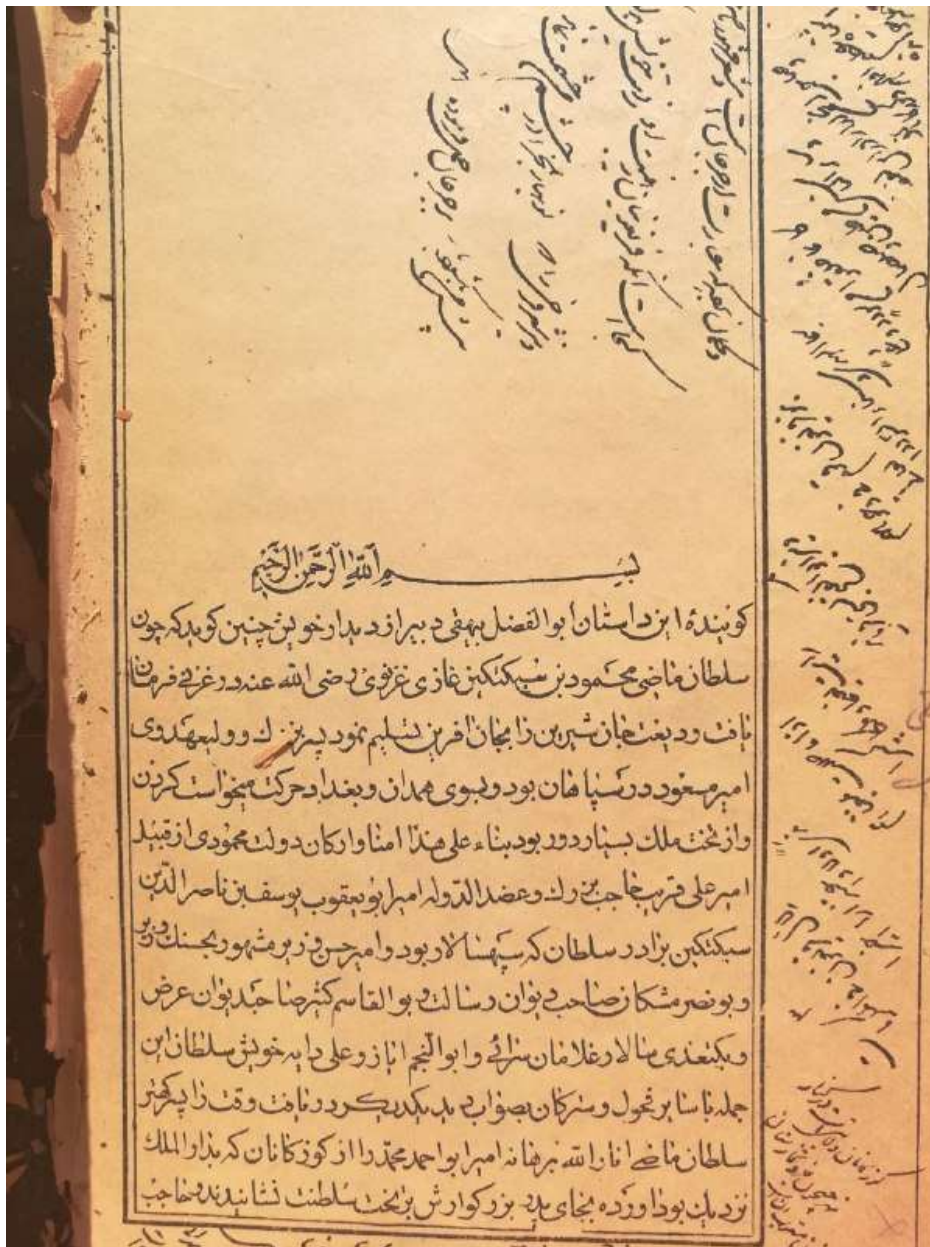
"

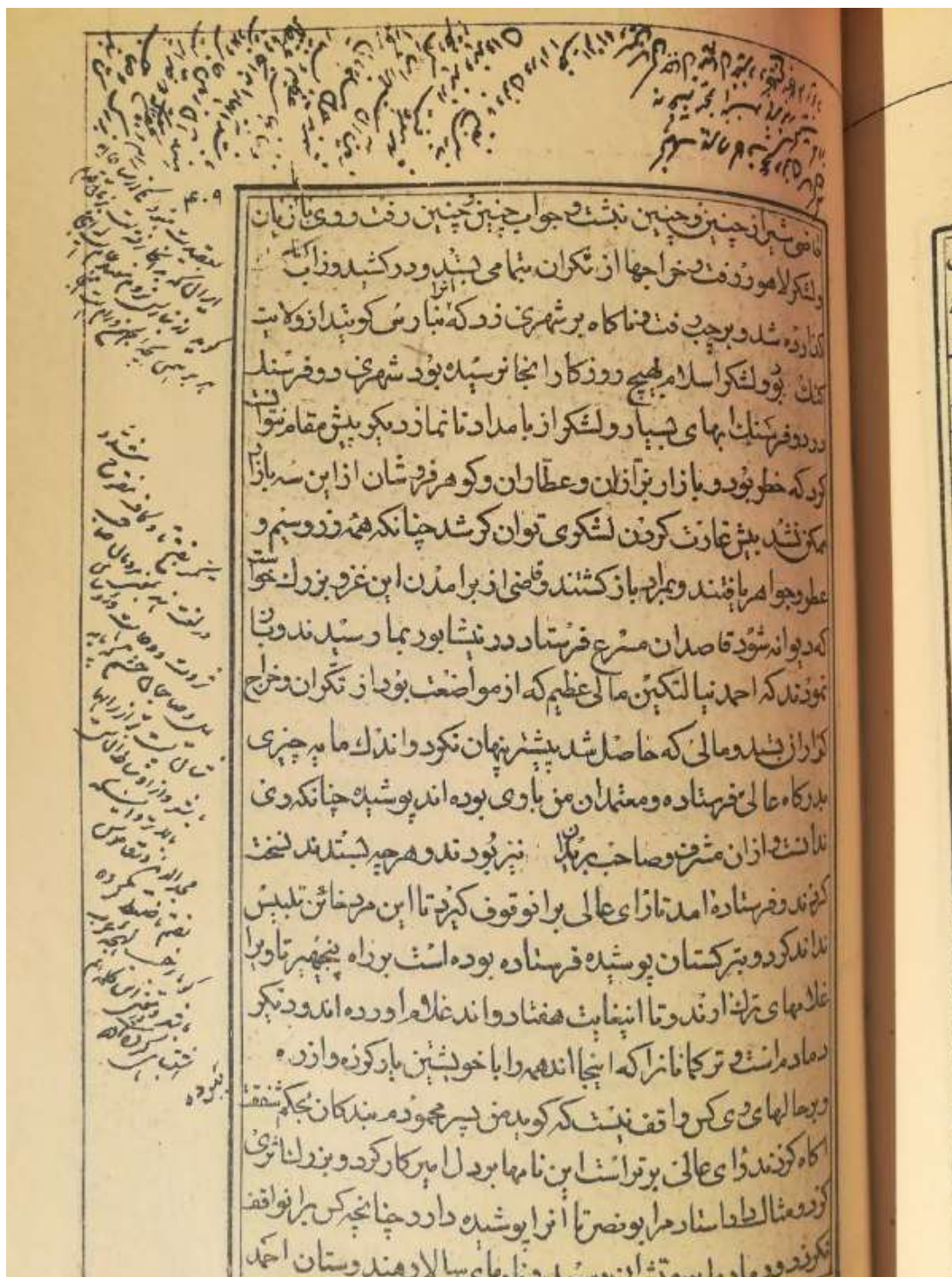
و گمان برده که عبارت از جرجانی است و شعر مشهور ناصر علوی را ؛
 کجاست آن که فریغونیان ز هیبت او
 ز دست خویش بدادند گوزگانان را
 و نیز شعر فرخی (سیستانی) را که ؛
 نو بهار بلخ را در چشم من حشمت نماند
 تا بهار گوزگانان پیش من بگشود بار
 بر جرجانی حمل فرموده است.

و یا در جایی دیگر حاشیه ها از دانش و چیرگی آشکار آگاهی های تاریخی اش حکایت دارد ؛



و این بغرا خانی که در این قصه مذکور است پدر قدرخان است که نامش در این کتاب در چند موضع یاد کرده آمده است و بغرا به اغوای فائق الخاصه غلام سامانیان و ابوعلی سبمجور به بخارا آمد و امیر رضی نوح بن منصور بن نوح بن منصور به آمل گریخت و باقی حکایت در این کتاب مسطور است .
و نیز چند تصویر دیگر از صفحات و حاشیه نویسی های ادیب پیشاوری :





و سرانجام این کتاب با شعر ادیب پیشاوری و فرجامه ای از " سرکار مجدت آثار مقرب الخافان میرزای فروغی رئیس اداره انطباعات دولتی "... راهی بازار عاشقان گردید تا راهگشای دیگر مصححان گردد.

و فرموده اند

که روان مان زین کوانه هر می شاد کن ماهاره نریخ شکور و جهان از ان کن رنجی در آسین با برور و افتا کن که عبار ترا از ان پر لولو و مرچا کن از بهشت آری برین تاد رنج پنهان پس بروی هر کلی بر شبنی غلطان کن پس با خون و کمرآمده اثر امار کن کا عک کبری بدست و کضه رضوان کن مدحت خواجه کائن بونصرت مشکان کن قوم کو آید ویت از چشمه حیوان کن تا برایشان روز روشن چو شتاب کن که قله درین دارین ده خبر و خبر کن و دشمنان و مجاد تو در صد هار کن هین بخوان انجواجه تا بر قول من افتا کن	خواجهر و الفضل از ان شاد در شمر کاروان صریح بن کوانه دلپذیر با که کوه های محمود از فوج سومتا با نه خود همان کوه فراپا ند ناطفه با مکر فرورس کوه را بهشتا را آشکار با غی افکنده چو منبر از شکفته کلبنا خشرانی بر بنانی با فی از کشتار خو من ندانم تر این دشتا که بهشتان ده چشمن منطق خوش لجه ایجا کن کوه را راهی مانند نتیجه کلک تو کوا بواخو کوا بن العبد کوبدیع هندسه تالیف الفاظ انجان دانی کن خط نشانی از برین و بر در نقطه انجوط در شکر غلط چو طوطی هر که خواند این

و مسلم است که آن بختدان اجل فر داجل سخن بگو افه نکو بد و جز راه حقیقت بود
 و در این مجسمه بام که بزرگ مقدم و نیل با اقدام و ز پر زاره ازاده بالحقنا
 صاحبید روان و کاف جلیل الشان جناب کتاب معجم امیر معظم مزارعنا
معاون الملک دام اقباله طبع و انتشار این کتاب مستطاب و خولنا
 شدند همزستید بزکوار و مالک ماثر جلیله و آثار تصحیح افراد امن هست
 بر کمر زده کار میسحا کردند و احبای موفی ز بر که از تصحیف اصحاب و مجرب

در شکر غلطد جو طوطی هر که خواند این کتاب
ادیب پیشاوری در ستایش اثر بی همتا و قلم شیوای "ابوالفضل بیهقی" چنین سروده است:
خواجه بولفضل ای روانت شاد در خرم بهشت
که روانمان زین کراسه* هر دمی شادان کنی

کاروان مصر بستی زین کراسه دلپذیر
تا هماره نرخ شکر در جهان ارزان کنی

یا که گوهرهای محمود از فتوح سومنات
ریختی در آستین تا بر ورق افشان کنی

یا نه خود عمان گوهر زایت اندر ناطقه
که عبارت را از آن پر لولو مرجان کنی

یا مگر فردوس گوهر لعبتان را آشکار
از بهشت آری برون تا در سخن پنهان کنی

باغی افکندی چو مینو از شکفته گلبنان
پس به روی هر گلی بر شبنمی غلطان کنی

خسروانی پرنیانی بافی از گفتار خوب
پس یاقوت و گهر آموده اش دامان کنی

من ندانم سر این دستان که بهر داستان
کاغذی گیری به دست و روضه رضوان کنی

وه چه شیرین منطق و خوش لهجتی آن جا که تو
مدحت خواجه کلان بونصر بن مشکان کنی

گوهر جان را همی ماند نتیجه کلک تو
تو مگر آب دویت از چشمه حیوان کنی

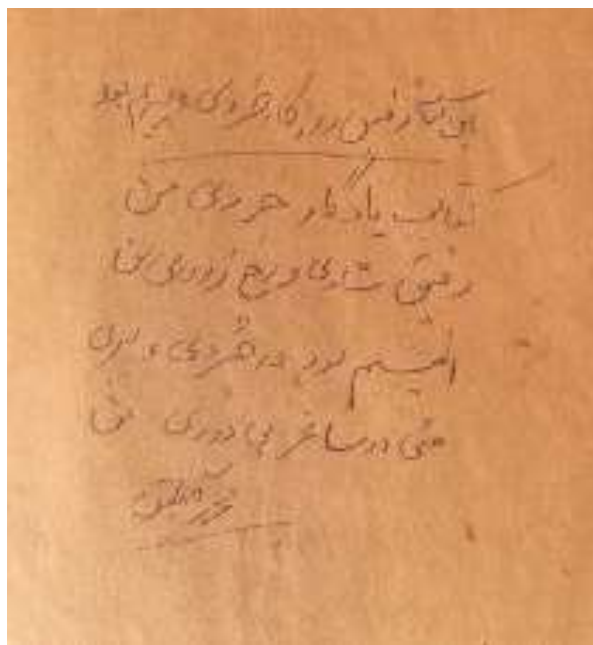
کو ابو اسحاق و کو ابن العمید و کو بدیع
تا بریشان روز روشن چون شب تاران کنی

هندسه تالیف الفاظ آنچنان دانی که درست
که قلیدس را در این ره خیره و حیران کنی

خط نشانی از برون سو بر دو نقطه از محیط
ور شغب* آرد مجادل ، تو دوصد برهان کنی

در شکر غلطد چو طوطی هر که خوان این کتاب
هین بخوان ای خواجه تا بر قول من ایقان کنی
* کراسه : دفتر ، کتابچه ، جزوه
* شغب : آشوب و غوغا

گفتنی است که توضیحات بیشتر و کامل در باره تصحیح ادیب پیشاوری در صفحات ۹۲ تا ۹۶ جلد اول تاریخ
بیهقی تصحیح دکتر محمد جعفر یاحقی / مهدی سیدی ، آمده است.
و باز پیشگویی " این را می نویسند و می خوانند " ابوالفضل بیهقی دوری دیگر زد و پس از یکصد و چهار سال از
چاپ نسخه ادیب پیشاوری ، این بار محمد گلبن " نویسنده ، پژوهشگر فهرست نگار و کتاب شناس (۱۳۹۲_۱۳۱۴خ)
یک نسخه کمیاب از همین تصحیح را که :



این کتاب رفیق روزگار خردی و پیریم بود :

کتابی یادگار خردی من

رفیق شادی و رخ زردی من

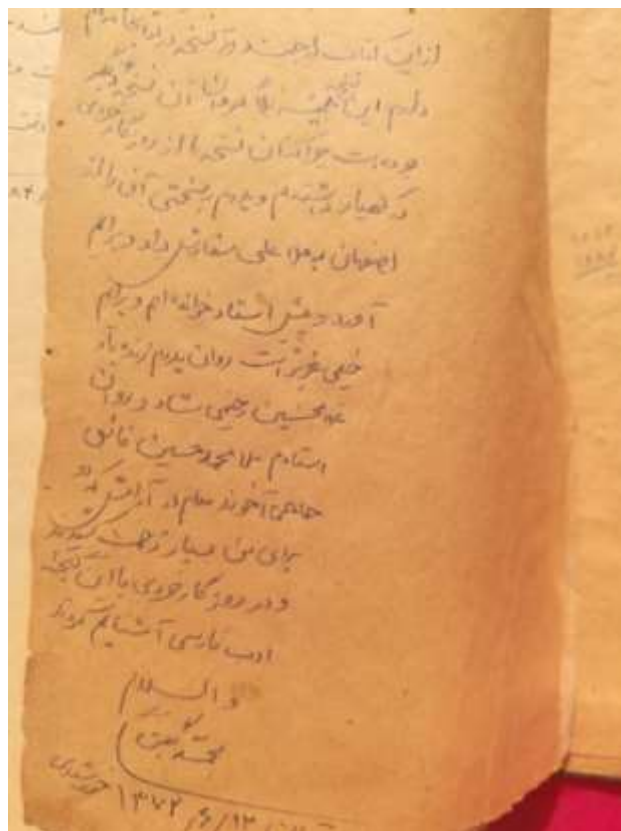
انیسم بود در خردی و پیری

می ای در ساغر بی دردی من



زننده یاد محمد گلبن (۱۳۹۲_۱۳۱۴ خورشیدی)

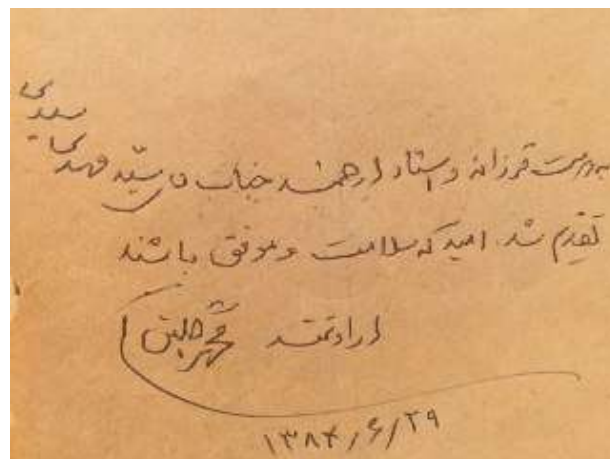
و شرحی وصیت وار از دستیابی و سختیابی و گران شماری این کتاب ارجمند و سرگذشت آن :



از این کتاب ارجمند دو نسخه در کتابخانه ام دارم . این نسخه همیشه بلاگردان آن نسخه دیگر بوده است چرا که آن نسخه را از روزگار خردی در کهیاز (زادگاه نویسنده) داشته ام و پدرم به سختی آن را از اصفهان به ملاعلی سفارش داد و برآیم آورد و پیش استاد خوانده ام و براین خیلی عزیز است . روان پدرم زنده یاد غلامحسین رحیمی شاد و روان استادان ملامحمدحسین فانی حاجی آخوند مدام در آرامش که این دو برای من بسیار زحمت کشیدند و در روزگار خردی با این گنجینه ادب فارسی آشنایم کردند . والسلام .
محمد گلبن

تهران ۱۳۷۲/۶/۱۲ خورشیدی

و این گنجینه بلاگردان ! را با این یادداشت پیشکشی ، به یکی از شیفتگان و دل آگاهان ابوالفضل بیهقی "مهدی سیدی" سپرد :



به دوست فرزانه و استاد ارجمند جناب آقای سید مهدی سیدی تقدیم شد . امید که سلامت و موفق باشند . محمد گلبن

۱۳۸۴/۶/۲۹

و این پیشکش دوستانه و فرهنگ یارانه ، در دوری کوتاهتر و پس از چهار سال در تصحیح کامل و جامع تاریخ بیهقی که این دوست فرزانه (مهدی سیدی) به همراهی دکتر محمد جعفر یاحقی به انجام رسانید ، همراه بود تا این تازگی نوشتار خواجه بولفضل همچنان افتد که پوشیده گان صبحی و شفقی را روشنی آفتاب تا باز "جهانیان بایستی در نظاره بودند که در پاشیدی و شکر شکستی".
باشد که نام همه این کوششگران در کوی عاشقانش به نیکی یادگار ماند .

